

دوستم آقای دکتر رحیم بغدادچی

## دیوان خطایی

نسخه خطی دیوان شاه اسمعیل صفوی متخلص به خطایی متعلق به کتابخانه خصوصی دوست ارجمندم آقای میرزا اسمعیل شافعی<sup>۱</sup> که اخیراً برای مطالعه و تحقیق در اختیار حقیر گذاشته‌اند؛ نگارنده ضمن سپاسگزاری از عنایات خاصه آن دوست فاضل محترم بسبب اهمیت آن اینک به معرفی آن میپردازد. نام کتاب (دیوان) نه در پشت جلد نه پشت صفحه اول قید نگردیده است؟ نام کاتب هم مجهول است.

دیوان ۱۲×۱۶ س. جلد: میشن یک لایی، قهوه‌ای تریاکی، فرسوده، ضربی یک نوع شکل متقارن لاک پشتی هندسی (یک لوزی بزرگ در وسط و در انتهای دو گوشه با دلولوزی کوچکتری متلاقی شده)، گوشه‌های جلد و کناره‌های صفحات پوسیده و خراب شده است، قسمت ضربی پشتی (لوزی بزرگ) پاره شده افتاده، در داخل با یک قطعه میشن سفیدی آن را وصله زده‌اند.

نوع کاغذ سمرقند کهنه<sup>۲</sup> به رنگ نخودی، تعداد صفحات ۲۷۹

۱ - شافعی: از خانواده‌های محترم و سرشناس کردستان؛ مهمان سرا و مهمان نوازیهای مرحوم جناب آقای حاج میرزا رحمت شافعی زبان‌زد خاص و عام است.

۲ - آقایان دانش پژوه و تیموری نوع کاغذ را اصفهانی تشخیص داده‌اند ولی آقای سهیلی آن را سمرقندی کهنه می‌شناسد.

(۱۷۲+۱۰۷)؛ در صفحه ۱۷۲ پس از دو رباعی که در مدح علی و توصیف خود شاعر آمده م سه تا (م) باین شکل ۴م ۴ آمده که ظاهراً علامت تمت کتاب است از صفحه ۱۷۲ به بعد دو صفحه سفید است<sup>۲</sup> دو ورق (صفحات ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵) کناره هایش پاره شده<sup>۲</sup> ولی این خراب شدگی به جدول نرسیده و متن محفوظ مانده است و اما از صفحه ۱۷۳ دیوان مجدداً تحت عنوان «نصیحت نامه سلطان العارفين شاه خطایی» که بامر کب آبی رنگی نوشته شده شروع میشود. صفحات کتاب شماره گذاری نشده، البته در صفحات جدا از هم با قید نخستین کلمه سطر اول صفحه مابعد در پایین صفحه ماقبل در طرف چپ اکتفا شده است.

آثار این کلمات نیز که نشانه از ترتیب صفحات دیوان است در غالب صفحات از بین رفته و این امر ما را مشکوک در از بین رفتن بعض صفحات کتاب مینماید، هر چند دشوار است قبول کنیم ولی وضع ظاهری کتاب با توجه به بعضی مشخصات کتاب بررسی آخر قوافی اشعار و چگونگی صنف بندی و علامات موجود تا حدودی ما را مطمئن میکند فرضاً اگر صفحاتی مفقود شده باشد خیلی کم است.

متن اشعار در هر دو طرف کاغذ نوشته شده، طول هر مصرع بطور متوسط ۲۹ س.

تمام غزلیات و قصاید و رباعی ها در جدولهای مستطیلی (حواشی) به طول و عرض ۷۳×۱۱۵ س. با خطوط آبی؛ داخل مستطیل آبی سه مستطیل دیگر نیز که به ترتیب طول و عرض هر مستطیل تقریباً يك میلی کوچکتر گردیده است، میان دو مستطیل داخل هم خطوط زری است، روی هر صفحه کتاب دارای جدول بندی و حاشیه ظریف و قشنگی است.

فاصله مصرعها و هم چنین بعد غزلیات، قصاید، مثنویات و رباعی ها نیز جدول بندی گردیده است.

دیوان ترکی خطایی بخط نستعلیق قرن ۱۰ شیوا نوشته شده است، تاریخ تمت کتاب سنه ۹۶۹ قید گردیده است، زیر حرف (س) غالباً سه نقطه



صفحه اول دیوان خطابی ، نسخه شافعی که خود صفحه مصدوم

وسر لوح آن را بریده از بین برده اند

نشریه دانشکده ادبیات اصفهان

پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<p>حکیم بن زید جان</p> <p>نه از با هم نه از ایند تا کسی کم</p> <p>غنی در لطف ایامی بود شام</p> <p>بصیحت نامه یازدهم نامه ده</p> <p>بیان ایتم بوسه در آن دورت</p> <p>بصیحت نامه یازدهم در بر این</p>	<p>فی سوادق لا اوبالی</p> <p>بند آمد که در پست عشق کله با هم</p> <p>امید کام شام است و نام</p> <p>اکاکو در دیر انکس بد کلس</p> <p>دیدم واسه اعم با بصرا</p> <p>جانه قانع ایچون بیز شاز</p>
<p>خطایی در دستم هر سه</p> <p>ایچون بود یک شانسک فتنه</p>	<p>توکل قیل توکل علی الله</p> <p>حکیم فصلیه با جملند و نه از لده</p>
<p>تتم فی تاریخ ۱۶۶۹</p> <p>۴۴</p>	<p>قولان دیکونم دیدم عالم لره</p> <p>تتم فی تاریخ ۱۶۶۹</p>

صفحة آخر دیوان خطایی ، نسخه شافعی .

نشریه دانشکده ادبیات اصفهان



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

گذاشته شده و حرف (ن) ثانی<sup>۱</sup> ترکی را در همه جا با «ك» نوشته و باید در خواندن (ن) تلفظ بشود.

سرلوح و جدول غزل اول صفحه اول و غزل دوم در وسط صفحه دوم را بریده و ازین برده اند.

اثر آب و آلودگی روی بعض صفحات پیداست، تعدادی از صفحات رنگش قهوه‌ای تیره گردیده است، اسماء: الله، محمد، علی و خطایی (تخلص شاعر) به طلایی نوشته شده است، در داخل جدولها بین غزلیات، قصاید، مثنویات و رباعیات در محل عنوانها با مرکب سرخ پولادی رقیق «وله ایضا» نوشته شده است، بجز غزلیات و رباعیات در سایر قطعات شاعر برخلاف معمول در آخرین بیت اشعار مثنویات ندرتاً تخلص خود را آورده است.

سرتاسر «دیوان شاه اسمعیل خطایی» به زبان ترکی است؛ تنها یک غزل پنج بیتی در نسخه مورد مطالعه ما آمده است.

شاه اسمعیل و زبان فارسی: این جوان جنگاور نام‌آور کردتژاد، سرسلسله سلطنت صفویه مظهر یک رشته وقایع و تحولات شگرف و شگفت انگیز در تاریخ اجتماعی ایرانیان گردید، بعضی از محققین و مورخین داخلی و خارجی آثار این حوادث را در شئون مذهبی، سیاسی و اخلاقی ایرانیان مورد مطالعه و تحقیق قرار داده‌اند، آنچه که کمتر طرف توجه محققین واقع شده و طرح و بررسی آن، کم و بیش تقریباً میتوان گفت تازگی دارد، مسأله زبان و تژاد و روانشناسی و نقش اجتماعی شاه اسمعیل و دودمان صفویه است.

ظاهر شاه اسمعیل برای مقابله با سلاطین ترك عثمانی و ازبکان و بنا «به علاقه وافر اکثر ایرانیان»؟ به تقویت تشیع پرداخت و اما در زمانی که زمینه فوق‌العاده مساعدی برای توسعه و تقویت و اعتلای فرهنگ ایرانی بود، باین معنی که زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در قلمرو امپراطوری عثمانی و شبه قاره هند سخت نفوذ کرده و رواج داشت؛ با ترویج زبان ترکی و تحمیل آن به

۱ - ن مکرربائانی به این معنی که در یک کلمه دو (ن) پشت سر هم آیند.

هم میهنان<sup>۱</sup>، روی چه تمایلی ملی؟! و بنا بچه علی بوده مسأله ایست قابل توجه و بحث و انتقاد، روشن است که در دوره صفویه زبان فارسی در ایران راه انحطاط سپرده<sup>۲</sup> و حتی زبان و لهجه های ایرانی (کردی، تاتی، هرزنی<sup>۳</sup> و...) در اکثر نقاط آذربایجان از میان رفت و چنانکه ملاحظه میگردد، سلاطین صفویه به زبان ترکی علاقمند بودند و با رجال در دربار به ترکی صحبت میکردند و شاه اسمعیل به زبان ترکی شعر میگفت؛ در طی تقریباً دو قرن خصیصه نژادی، صفات ملی و اصول مذهبی نوادگان شاه کردی سنجان<sup>۴</sup> تحت تأثیر علی و عواملی بکلی دگرگون گردیده است<sup>۵</sup> از جمله:

۱- شیخ صفی و اولادانش هویت نژادی خود را از کردی به عربی تبدیل میکنند و حتی بعضی از پادشاهان صفوی در قتل و آزار و تبعید کردن کردان دست

۱- بیش از صدها هزار خانوار از کردهای اصیل کرمانج، گوران، شادلو، شاطرانلو خواجهوند و زافرانلو - قرهچورلو، بزیدی، براخویی و کردبچه و... وسیله سلاطین صفوی و قاجار مخصوصاً شاه عباس مجبوریه ترك زادگاه خود گردیده و به مناطق دور از کردستان کوچانیده شده اند در نتیجه زبان و فرهنگ و سنن و غالب خصوصیات ملی آن طوایف تبعیدی تحت تأثیر اقوام مجاور قرار گرفته و به تحلیل رفته است.

۲- در شعر مرثیه سرایی رونق بسزایافت.

۳- نك: تاتی و هرزنی عبدالعلی کارنگ تبریز ۱۳۳۰.

ه نك: فعل در زبان هرزنی دكتر منوچهر مرتضوی تبریز ۱۳۴۲.

۴- نك: صفوت الصفابین ابزار.

۵- در بیت زیر خود را به «علی ابن ابیطالب» عربی منسوب میکند:

« شاه مردان علی ننگ آلیم اولادیم ذوالفقار و تاج و دلدل اوچ نشان منددر»

نك: نسخه خطی شافعی ص ۱۰۳.

نك: نسخه خطی موزه ایران باستان ص ۱۹.

بحث در این مطلب که چه علی موجب میشود که افراد يك ملتی هویت نژادی و ملیتش تبدیل میگردد مسأله کشدار و سیعی است و اما یکی از مهمترین علل این است که افراد يك جامعه مخصوصاً جوانان آن قوم در مقایسه شخصیت خود با دیگران هرگاه نسبت به جامعه خود احساس حقارت کرد و پذیرفت که به جامعه پست تری تعلق دارد، خواهد ناخواه این حس حقارت موجب ایجاد جذبه شیفتگی نسبت به مظاهر اجتماعی دیگران که عالیترش شناخته و دوری و بیزاری نسبت به خصوصیات اجتماعی جامعه خود که پست ترش قلمداد کرده است میگردد؟ نتیجه حتمی این عکس العمل ایجاد يك زاویه انحراف صد درجه بسوی زبان و آداب دیگران و فراموش کردن و یا خود را بفراموشی زدن نسبت به زبان و آداب و رسوم ملی و اجتماعی خود میگردد البته این حس در افرادی که خود را از خانواده های پست و بد سابقه میدانند قوی تر است.



کمی از ترکان و اعراب نداشته اند!؟

۲- سلسله صفویه و از آن جمله شیخ صفی سید نبوده است ولی  
نیبرگان او سید شده اند.<sup>۲</sup>

۳- «شیخ صفی سنی بوده است و نیبره او شاه اسمعیل شیعی سنی  
کشی در آمده است»<sup>۳</sup>

۴- شیخ صفی به یکی از زبانهای ایرانی سخن میگفته است ولی  
نوادگان او زبان ترکی را پذیرفته و به آن تکلم می کردند.<sup>۴</sup>

۵- از دودمان صفویه که هنوز خصایص نژادی، خونی و ملی آنان از  
بین نرفته بوده پهلوانان دلاور و مردان بزرگ و نیرومند ظهور میکرده و اما  
بعد ها زبان و مذهب و یک سلسله خصوصیات و عوامل روانی و اجتماعی آنان  
را تحت تأثیر قرارداد ضعیف و انحطاط و سستی شگفت انگیزی دامنگیرشان  
شده منقرض گردیدند.<sup>۵</sup>

پیدا کردن عوامل اصلی و روشن نمودن علل این سلسله حوادث و  
تحولات بسیاری از مسائل تاریخ و پیچیده تاریخ را حل کرده و پرده از روی  
بسیاری از حقایق تلخ تاریخی برمیدارد؛ تجزیه و تحلیل و کشف این حقایق

۱- در تاریخ کرد بکرات باین مقوله دردناک و تأسف انگیز بر میخوریم که افراد برجسته  
از کردان برای احراز مقام و ثروت، موفقیت و شخصیت فردی نسبت به منافع عمومی بی اعتنا شده و حتی  
اقوام و دودمان خود را نیز فراموش کرده، چه بسا دیده شده بضدیت با همزادان خود هم پرداخته و اما  
راجع به ترک و عرب شدن کردان یا آلت اجرای مقاصد آنان قرار گرفتن بعضی از کردان داستانهاست  
شگفت انگیز است! که شاه اسمعیل در قتل و آزار مشعشی هاهم که در لرستان و خوزستان فعلی ساکن بودند و در  
دوستی علی بینهایت غلومیکردند ( شاید اجداد علی الهی های کرمانشاهان باشند) کوتاهی نکرده و بیشتر  
آن جماعت را هم بقتل رساند.

نک: تاریخ ایران از مغول تا افشار بازوکی تهران ۱۳۱۶ ص ۲۱۵.

۳ و ۲ - نک: شیخ صفی و تبارش نوشته احمد کسروی تهران ۱۳۴۲ ج ۲ ص ۴۶ و ۴۷

۴- شیخ صفی به زبانی سخن میگفته که غالباً در کتب و منابع فارسی از آن به «آذری» نام  
میبرند؛ اغلب واژه های منسوب باین زبان کردی است.

۵- نک: مقاله انتقادی (سادات زواره) دکتر باستانی پاریزی در مجله یغما اسفند ۱۳۴۳.

( زیر چاپ )

۵ - نک: نژاد و نقش صفویه اثر نگارنده (کردهای سنی شادوزنده هستند و سوگواری  
ندارند و شیعیان غالباً در سوگواری هستند).

به باز کردن غالب گره‌کوره‌های زندگی امروز ما مربوط است و در زمینه تحولات وضع کنونی و آینده هم میهنان ما نقش حیاتی دارد .

بعضی از تذکره نویسان<sup>۱</sup> و از آن جمله سام میرزا پسر شاه اسماعیل صفوی در تذکره تحفه شامی اشاره میکنند که شاه اسمعیل در سرودن اشعار فارسی و ترکی «خطایی» تخلص میکرد<sup>۲</sup>

بنابگفته یوسف بیگ وزیروف در کتاب «نظری به ادبیات آذربایجان» و نقل سعدالدین نزهت ارگون در مقدمه دیوان خطایی صفحه دوازدهم مینویسد که دیوان فارسی شاه اسماعیل در تبریز چاپ شده است .

نگارنده که سالها مقیم تبریز بوده است با همه کوششی که برای پیدا کردن دیوان فارسی شاه اسمعیل در تبریز بعمل آورد کسی را نیافت که از دیوان فارسی چاپی و خطی شاه اسمعیل اطلاعی داشته باشد ؛ بیشتر اشخاص با اطلاع بذکر همین مطلب که در تذکره‌ها آمده است راهنمایی میکردند ، معلوم نیست که وزیروف و نزهت ارگون از روی چه منبعی این خبر را منتشر کرده‌اند ؟

نگارنده پیشتر هم یادآوری نمود که در نسخه مورد مطالعه بیک غزل فارسی پنج بیتی برمیخوریم<sup>۳</sup> که اینک به نقل آن میپردازیم :

وله ایضاً

چند روزی مانده از حسن تو نادانی مکن

از برای زر پسی آلوده دامانی مکن

زر رود از کف پشیمانی بماند سال ها

جان من کاری که باز آرد پشیمانی مکن<sup>۴</sup>

۱ - نك : آتشکده آذر، لطفلی بیگ آذر تهران ۱۳۳۷ ص ۱۱۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ...

۲ - نك : فرهنگ سخنوران دکتر عبدالرسول خیامپور تبریز ۱۳۴۰ ص ۱۹۳ .

۳ - تحفه سامی تألیف سام میرزای صفوی ( متوقفا در ۹۸۳ ) به تصحیح و مقابله وحید

دستگردی ضمیمه مجله «ارمغان» تهران ۱۳۱۴ ص ۷ و ۹ .

۴ - نك : نسخه خطی آقای شافعی ص ۴۱ و ۴۰ .

۵ - مقایسه شود با این بیت حافظ :

زلیخامرد از این حسرت که یوسف گشت زندانی

چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی

خطایه که کنگن الدنگ خنده برله		ایا کل نو یک پس خندان اول پس
<b>وله ایضا</b>		
زفتک چکه دم نگار خندی یا را اول پس	اشطارم خدی امدی حیرایله بولدوم	انتیارم کندی لدن اختیار اول پس
اشمن دم سره الدن میل جان اولدی لال	برنج مکت چکه نگ ای ل غلته حیران شبی	غملو کو تکلم حاله پرنگ پار اول پس
مگر کنا سنک جو خدرای کین خطای غم		وقتی در کل چهرنگ آچوب نو بهار اول پس
		اول تنک وصلینه تنک سخت اول پس
		رحمتیه حالتنگ امیدوار اول پس
<b>وله ایضا</b>		
چندر روزی نازده چسپن تو ناه انی کن	از برای زر سپه آله و اما کن	
زرد و از کت بشیانی بیاید ساها	جان من کاری که بار آرد بشیانی کن	
با پریشان مروه پریشان روزد	شد پریشان خاطر یاران پریشانی کن	



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

کارهای نخبین شکل باستانی بکن ای خط می اعتبار از عالم فانی کن	نقد مدهی بهر زرب باده و این شکل است مان نیار اگر دانه این است
دله ایضا	
دله ربی رکب علی مرتضی ننگ عشتمه برایم سو ویریدی قادر خدا ننگ عشتمه پسند انج اویات باشکلی ابلانک عشتمه کیم یری اقلیمی فتح ایدم رمضانک عشتمه چارم من قیدی صاحب ننگ عشتمه یریوزدن قازرم آل عیانک عشتمه پس انجی باشکله عزانی اول غانک عشتمه	سپاسیا اول باه صافی صفانک عشتمه صد هزار لست زیده چونکیم اول شتراده گر بلا دچکشدی چرخ بلا شاه اول غلنه آیت نصر من امدن سکا اولدی زول ای هوالی ارسلانک صاحب زمانک قتی در تخم مروان دیزیدنک گوگنی من عاقبت ای خطی چون سسنگ جده کنج اتمشدر
دله ایضا	



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

با پریشانان مرو هر سو پریشان روز و شب  
 شد پریشان خاطر یاران پریشانی مکن  
 نقد مردی بهر زر بر باد دادن مشکل است  
 کارهای این چنین مشکل به آسانی مکن  
 مال دنیا را نکردند اهل همت اعتبار  
 ای خطایی اعتبار از عالم ثانی مکن<sup>۱</sup>

نگارنده ضمن مطالعه نسخ خطی کتابخانه ها به این تک بیت هم که بنام شاه اسمعیل خطایی پشت جلد یکی از کتب خطی کتابخانه دانشکده ادبیات تهران نوشته شده بود، برخورد، آن را نیز نقل می‌کنم:

بیستون ناله زارم چو شنید ار جا شد

گفت فریاد که فرهاد دگر پیداشد<sup>۲</sup>

تحقیق درباره اشعار شاه اسمعیل خطایی و جمع آوری و چاپ دیوان فارسی خطایی؟ از کارهای ضروری و بسیار مفید است و اما زندگی کوتاه و پرماجرایی شاه اسمعیل جنگاور و درعین حال صوفی و داشتن دواین ترکی و فارسی باضافه تناقضات فراوانی که در دیوان پادشاه نیرومند صفوی بیچشم میخورد با بعضی از مطالب دیگر مربوط به شاه اسمعیل محل تفکر و تأمل است. و اما در زبان ترکی که شاه اسمعیل به آن شعر سروده، واژه های فارسی و کلمات عربی مستعمل در فارسی فوق العاده فراوان است، مثلاً واژه های: آفتاب، دارند، خندان، گلشن، باغبان، روان، نهان، روز و شب، آب، سرمست، هم خانه، سیه چشمه - شکر بار - خسته دل و هم چنین: قیام و قیامت و مولا و مرشد و صوفی و عارف و عشق و سلطان، ملک، مصحف و مشهور و صبح و عصر و خاص و عام، صادق و محکم و ارض و سما و اصیل و وصل و ... و حتی گاهی بعضی بیتها و یا یک مصرع آن بکلی از کلمات فارسی

۱ - این غزل فارسی در نسخه خطی موزه ایران باستان و نسخه چاپی دکتر تورخان

گنجه ای نیامده است.

۲ - نك: فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات تهران (۹۸ ب).

۳ - نك: تذکره همیشه بهار تألیف ابوالقاسم ابن حیدر - خطایی شاه اسمعیل.

است. شاید فقط وزن یا آهنگ بیان آن ترکی باشد یا گاهی فقط اداتی از ترکی در آن باشد مثلاً: در مصرع: «دلبرم یاره عزیزم غمگسارم مونسَم»<sup>۱</sup> بیک واژه نامأنوس برنسیخوریم.

### نسخه های دیگر دیوان خطایی صفوی:

نسخه خطی موزه ایران باستان:

- ۱- «نسخه خطی دیوان شاه اسماعیل خطایی صفوی: ش ۳۷۰۵، استعلیق عیشی در سده ۱۰ با سرلوح و جدول، کاغذ ترمه، ۷۸ گ ۱۵۵ ص، جلد تیماج تریاکی سوخت زر کوب با ترنج و نیم ترنج دو رو درون سرخ با با لولاء و وقف شاه عباس بر آستانه شیخ صفی در ۱۰۲۲ غزلهاست به ترکی به ترتیب تهجی با تخلص «خطایی» (بزر) سپس رباعی و مثنوی ترکی»<sup>۲</sup>.
- ۲- نسخه خطی دیوان شاه اسماعیل خطایی متعلق به جناب آقای حاج حسین نخجوانی که در کتابخانه خصوصی ایشان محفوظ است.<sup>۳</sup>
- ۳- بقرار اطلاع جناب آقای سلطان‌القرائی نیز نسخه‌ای از دیوان شاه اسماعیل خطایی در کتابخانه خصوصی دارند.

### نسخه چاپی دیوان شاه اسماعیل خطایی:

به تصحیح تورخان گنجه‌ای استادزبان و ادبیات ترکی در دانشگاه ناپل، استاد فارسی مدرسه زبانهای شرقی دانشگاه لندن از انتشارات مدرسه زبانهای شرقی دانشگاه ناپل، چاپ زم ۱۹۵۹ - ۵۴ + ۶۳ صفحه  
فاضل محترم آقای عباس زریاب (خویی) نسخه چاپی بالارا محققانه معرفی کرده‌اند: «... بحث تحقیقی درباره اشعار شاه اسماعیل را عالم ایران شناس مشهور پرفسور مینورسکی در مجله مدرسه تحقیقات شرقی و افریقائی

۱- نسخه خطی شافی ص ۵ غزل دوم بیت دوم مصرع اول.  
۲- نك: فهرست نسخه‌های خطی موزه ایران باستان بکوش محمد تقی داش پشروه مستخرج از دفتر دوم نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از صفحات ۱۹۹ تا ۲۱۸ تهران ۱۳۴۱ ص ۲۰۵ مضافاً اینکه بجای آغاز و انجام صفحات: اول و آخر کتاب عیناً بتوسط نگارنده عکس برداری و نقل میگردد. ع ۱۰۶.

۳- باوجود کوشش فراوان دیدن آن میسر نگردید.

۴- نك: راهنمای کتاب تهران ۱۳۳۹ سال سوم شماره چهارم ص ۵۵۵.

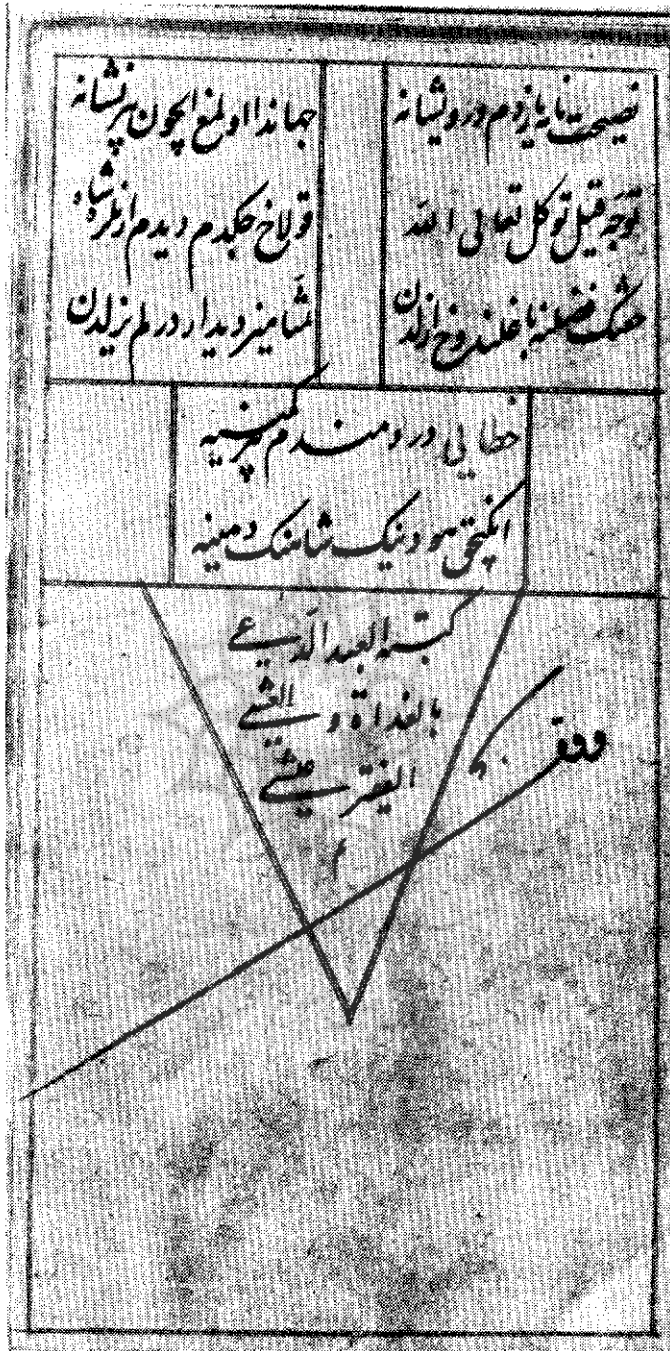




صفحه اول نسخه موزة ایران باستان  
 نشریه دانشکده ادبیات اصفهان



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



صفحة آخر نسخة موزة ایران باستان  
 نشریة دانشکده ادبیات اصفهان



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

(BSOAS) در سال ۱۹۴۳ آغاز کرد و در آنجا دربارهٔ نسخ خطی دیوان او و وزن و لغت و مضامین شعر او به بحث پرداخت و در آخر منتخباتی با ترجمهٔ انگلیسی آورد.

مینورسکی در این مقاله لزوم طبع انتقادی دیوان خطایی را یادآور میشود ولی موقعی بود که دنیا در آتش جنگ میسوخت و بقول خودش جهانی چون موی زنگی درهم آشفته بود و انجام این آرزو محال مینمود، بهمین جهت او بدرج مقالهٔ تحقیقی خود اکتفا کرد و آرزو نمود که شاید مقالهٔ او راه را برای دانشمند جوانی که در روزگار بهتری خواهد زیست تمهید کند.

در سال ۱۹۴۶ کتابی بنام

Hatayi Divani Sah Ismail Safavi Edebi Hayati Venches Iart.

(دیوان خطایی، زندگی ادبی شاه اسماعیل صفوی و اشعار هجائی او) از طرف سعدالدین نزهت ارگون در استانبول بطبع رسید ولی خود او در صفحهٔ ۱۳ کتاب مذکور میگوید که از نسخ خطی دیوان شاه اسماعیل نتوانسته است استفاده کند، بلکه این دیوان را از مجموعه‌ای که در کتبخانهٔ ملت جزو کتب علی امیری به شمارهٔ ۶۳۱ موجود است و نیز از مجموعه‌های متفرقهٔ دیگر بوجود آورده است. آنچه به حقیقت متعلق بخود شاه اسماعیل است در این دیوان کم است و بقیهٔ اشعار هجائی شایع میان بکتاشیها و علویان آناطولی است که چنانکه گفتیم تخلص خطائی را با احترام شاه اسماعیل بکار میبردند.

هیچکس برای تحقق دادن به آرزوی پروفیسور مینورسکی سزاوارتر از آقای تورخان گنجه‌ای نبود که بانجام این کار کمر همت گماشت و دیوان فعلی را که بر پایهٔ قدیمترین نسخهٔ شناخته شده، یعنی نسخهٔ پاریس مورخ سال ۹۴۸ هجری است، با مقایسه با نسخه‌های موزه بریتانی و نسخه‌ای دیگر از کتابخانهٔ پاریس و نسخهٔ واتیکان و نسخهٔ خطی ملکی خود مینورسکی و بسا اضافه نسخه بدلهای در آخر کتاب چاپ کرد و کتاب را نیز به مینورسکی اهداء کرده است...»

نگارنده توفیق آقای استاد تورخان گنجه‌ای را در طبع جلد دوم این دیوان و ادامهٔ خدمات علمی و فرهنگی خواستار و خود نیز امیدوار است که باز هم فرصت بحث و دنبال کردن این مطلب را پیدا کند.